گفت‌وگوی «جوان» با مدیر یک مؤسسه فرهنگی و هنری که آتش به اختیار برای شهدا کار می‌کند

الگویی از نشر کتاب و تولید مستند تا فعالیت جهادی و تربیت راوی

■ علیرضا محمدی

اگر بخواهیم مجموعه‌ای از فعالیت نهادهایی چون بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، بنیاد شهید، سازمان‌های متولی راهیان نور و حتی حرکت‌های جهادی و کارهای پژوهشی را در یک مجموعه خلاصه ببینیم «مؤسسه فرهنگی و هنری راویان فتح شهرستان لنجان» همه این فعالیت‌ها را به صورت خودجوش انجام می‌دهد. این مؤسسه که به همت تعدادی از رزمندگان زرین‌شهری (مرکز شهرستان لنجان) در اواخر سال ۱۳۹۴ تأسیس شد، با همکاری جوانان این منطقه روز به روز فعالیت‌های خود را گسترش داد تا اکنون علاوه بر تولید کتاب، مستندهای تلویزیونی و محصولات رادیویی و... در عرصه جهادی و راهیان نور هم دستی بر آتش داشته باشد. اما ارزش فعالیت‌های این مؤسسه زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم تمامی این کارها بدون کمک گرفتن از نهادهای رسمی و صرفاً با همت و بودجه اعضای مؤسسه انجام می‌گیرد. در گفت‌وگویی که با رزمنده جانباز محسن عزیزالهی مدیرعامل مؤسسه فرهنگی و هنری راویان فتح شهرستان لنجان انجام دادیم، سعی کردیم با گوشه‌هایی از فعالیت‌های این مؤسسه آشنا شویم.

چه شد که رزمنده‌های زرین‌شهری تصمیم گرفتند به فعالیت‌های فرهنگی و هنری در قالب یک مؤسسه بپردازند؟

بعد از اتمام دفاع مقدس خیلی از رزمنده‌ها احساس می‌کردند وظیفه‌شان را در میادین جنگ انجام داده‌اند و دیگر دینی به گردن ندارند اما حضرت آقا در اولین سال‌های بعد از اتمام دفاع مقدس فرمودند: آخرین حلقه رزم یک رزمنده نوشتن خاطرات است، نه تحویل دادن اسلحه‌اش. این سخن به این معنا بود که یادگاران جنگ باید در عرصه فرهنگی و زنده نگه داشتن یاد و خاطرات دفاع مقدس کوشا باشند اما خیلی از ما اهمیت امر را درک نکردیم و در مقابل، برخی جریان‌های سیاسی سعی کردند جنگ تحمیلی را یک موضوع تاریخی و تمام‌شده قلمداد کنند. در چنین شرایطی حضرت آقا بارها در رفتار و گفتارشان دغدغه‌های فرهنگی‌شان را مطرح می‌کردند. حتی ایشان یک بار فرمودند که از دغدغه‌های فرهنگی خواب به چشمان‌شان نمی‌آید. همه اینها کدهایی بود تا ما را تکان بدهد. لذا به اتفاق تعدادی از دوستان رزمنده در زرین‌شهر تصمیم گرفتیم به عرصه فعالیت‌های فرهنگی ورود کنیم.

از چه زمانی شروع کردید؟ ترکیب مؤسسه از چه افرادی بود و قدم نخست را چطور برداشتید؟

تقریباً اواخر سال ۹۴ بود که سنگ بنای مؤسسه را گذاشتیم. اغلب اعضا از رزمنده‌های دفاع مقدس بودند و الان هم هیئت مدیره از همین بچه‌های جبهه و جنگ تشکیل شده است. بعدها از رویش‌های انقلاب که جوان‌ها هستند استفاده کردیم و کارمان را گسترش دادیم. در اولین قدم تصمیم داشتیم یک بانک اطلاعاتی از دوران دفاع مقدس ایجاد کنیم اما هرچه جلوتر می‌رفتیم، می‌دیدیم عرصه و میدان فعالیت گسترده‌تر می‌شود. لنجان به ظاهر یک شهرستان کوچک است ولی میانگین حضور مردم این منطقه در دفاع مقدس بسیار بیشتر از میانگین حضور مردم کل کشور است. اگر درصد مشارکت مردمی در دفاع مقدس ۳ درصد باشد، این آمار در لنجان به ۱۲ درصد می‌رسد که واقعاً رقم بالایی است. لنجان نگین صنعت ایران است و بین چند قطب صنعت ایران مانند ذوب‌آهن، مجتمع فولاد و صنایع دفاع اصفهان محاصره شده است. ما وسط اینها هستیم. به همین خاطر شهرستان لنجان محل اسکان اقوام مختلف کشورمان است و این ترکیب جمعیتی باعث شده لنجان یک ایران کوچک باشد و سهم شایسته‌ای را در دفاع مقدس ایفا کند. وقتی ما متوجه چنین ظرفیت بالایی در منطقه شدیم، تصمیم گرفتیم تنها روی همین شهرستان تمرکز کنیم و به دیگر نقاط، حتی دیگر شهرهای استان اصفهان کاری نداشته باشیم. بعد تصمیم گرفتیم این ظرفیت عظیم را از عدد و آمار بالاتر ببریم و به وسیله کتاب یا سایر تولیدات فرهنگی و هنری به معرفی شهدا و حماسه‌آفرینان این منطقه بپردازیم.

شهرستان لنجان چند شهید دارد؟

این منطقه ۷۵۰ شهید دارد که جالب است بدانید تا قبل از فعالیت مؤسسه ما، تنها ۲۰ برنامه رادیویی یک دقیقه‌ای از این تعداد شهید توسط رادیو اصفهان پخش شده بود اما با تلاش دوستان ما در مؤسسه فرهنگی و هنری راویان فتح لنجان، در یک مقطع ۱۸ ماهه حدود ۳۰۰ برنامه رادیویی چهار دقیقه‌ای ضبط و تهیه شد که در برنامه پرمخاطب قاف عشق از صدای اصفهان پخش شد. همچنین ۱۰ الی ۱۲ کلیپ از شهدای شاخص شهرستان ساختیم که هر کلیپ حدود ۱۰ الی ۱۲ دقیقه است. این کلیپ‌ها بدون اینکه یک دقیقه‌شان کم شود از صدا و سیمای اصفهان پخش شد.

مستندها را خودتان ساختید؟ تجربه این کار را داشتید؟

تجربه قبلی که نداشتیم ولی همه این مستندها و برنامه‌های رادیویی به همت بچه‌های مؤسسه و با کمک و مشارکت جوان‌های منطقه ساخته شد؛ آن‌هم با کمترین امکانات. اگر همت و انگیزه باشد، می‌شود هر کاری را با کمترین امکانات انجام داد و بچه‌های ما هم با توسل به شهدا، این مستندها را تهیه کردند.

گویا چند کتاب هم از شهدای شاخص منطقه لنجان منتشر کرده‌اید. اگر می‌شود به معرفی اجمالی این شهدا هم بپردازید.

تاکنون حدود هفت الی هشت کتاب منتشر شده و چند کتاب هم در دست تهیه داریم. دو کتاب دزلی و کاش او را می‌شناختم در خصوص سردار شهید حسین قجه‌ای است. من سال ۶۰ از نیروهای این شهید بزرگوار در کردستان بودم. قجه‌ای سوگلی جاویدالاثر احمد متوسلیان بود. از این شهید بزرگوار تاکنون چندین کتاب منتشر شده است. روایت می‌شود که در یک واقعه وقتی افرادی چون شهید همت، شهید شهبازی و دیگر بزرگان نسبت به جان احمد متوسلیان بیمناک می‌شوند، حاج‌احمد می‌گوید نگران نباشید که حسین قجه‌ای اینجاست. کتاب دیگر ما در خصوص سردار شهید محمدعلی شاهمرادی جانشین لشکر ۴۴ قمر بنی‌هاشم(ع) تحت عنوان «شیر شب‌های شلمچه» است. این شهید بزرگوار از شهدای بزرگ دفاع مقدس است که وقتی از محسن رضایی می‌پرسند شجاع‌ترین فرمانده جنگ چه کسی بود، اسم شهید شاهمرادی را می‌آورد. شهید شاهمرادی آن‌قدر جای کار دارد که اکنون یک کتاب دیگر را در خصوص ایشان سفارش داده‌ایم. کتاب متولد ماه کامل زندگینامه داستانی شهید حاج‌محمد باغبانی از دیگر کتاب‌های مؤسسه است. کتاب مراد دل‌ها هم به زندگی و خاطرات شهید خدامراد ملکی فرمانده گردان زرین‌شهر می‌پردازد. شهید ملکی بسیار شبیه شهید برونسی است. هم کارگر بود، هم اهل دل، هم عیال‌وار و هم فرمانده و... «پهلوان اسماعیل» هم گذری بر زندگی جوانمرد شهید اسماعیل سلیمیان از شهدای ورزشکار منطقه است که صاحب چندین عنوان در رشته ورزشی کشتی بود. یک کتاب دیگر تحت عنوان خلیل طائیه (زندگی شهید ابراهیم خلیلی) هم منتشر کرده‌ایم که ماجرای جالبی دارد. بعد از شش ماه تحقیق که روی کتاب این شهید داشتیم، یک ماه مانده به مراسمش یک نفر آمد و گفت پنج، شش دفترچه روزنوشت شهید خلیلی را در اختیار دارد. ما تحقیقات خودمان را کنار گذاشتیم و ۸۰ درصد کتاب را بر اساس دستنوشته‌های خود شهید تهیه کردیم.

> کار جهادی جلوه دیگری از فعالیت فرهنگی است. علاوه بر آن باری را از روی دوش مردم محروم برمی‌دارد. به همین خاطر ما گروه جهادی شباب الزهرا(س) را تشکیل دادیم که با ترکیبی از رزمنده‌های دوران جنگ و جوان‌های منطقه، ۱۰ روز در سال را به مناطق صفر مرزی سیستان و بلوچستان می‌روند و فعالیت می‌کنند

کتاب‌های شما بر اساس زندگینامه شهداست یا کارهای پژوهشی را هم در دستور کار دارید؟

اتفاقاً اکنون یک کتاب در خصوص شهدای تخریب لنجان و لشکر ۴۴ قمر بنی‌هاشم(ع) داریم که قرار است به یادواره کشوری شهدای تخریب در اصفهان ارائه کنیم. در زمینه فعالیت‌های پژوهشی همین قدر عرض کنم که وقتی نمونه فعالیت‌ها و آثار را به سردار رحیم صفوی ارائه دادیم، ایشان گفتند کاری که شما در این سه، چهار سال کردید نظیر همان حکمی است که سرلشکر باقری به من داد و گفت برو یک پژوهشگاه دفاع مقدس تشکیل بده. کار شما در سطح ایران نه تنها کم‌نظیر که بی‌نظیر است.

قاعدتاً تولید کتاب یا مستند و کارهایی از این دست نیاز به هزینه دارد، بودجه این کار از کجا تأمین می‌شود؟

ما هیچ بودجه‌ای از هیچ نهاد یا سازمان رسمی دریافت نمی‌کنیم و همه اینها به همت خود بچه‌ها و با هزینه‌ای که از طرف اعضا تهیه می‌شود، انجام می‌گیرد.

مؤسسه قرار بود فعالیت فرهنگی و نرم انجام بدهد، چطور شد که به سمت فعالیت‌های جهادی رفتید؟

اینها لازم و ملزوم یکدیگر هستند. حضرت آقا فرمودند حضور یک جوان جهادگر در یک منطقه محروم، مصداقی از آیه‌های مجسم قرآن است و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در مناطق محروم رواج می‌دهد. در واقع کار جهادی جلوه دیگری از فعالیت فرهنگی است. علاوه بر آن باری را از روی دوش مردم محروم برمی‌دارد. به همین خاطر ما گروه جهادی شباب الزهرا(س) را تشکیل دادیم که با ترکیبی از رزمنده‌های دوران جنگ و جوان‌های منطقه، ۱۰ روز در سال را به مناطق صفر مرزی سیستان و بلوچستان می‌روند و فعالیت می‌کنند. ۱۰ روز را هم به استان چهارمحال و بختیاری می‌روند و عرصه‌یابی می‌کنند. یعنی به شناسایی مناطق محروم استان می‌پردازند و آنجا فعالیت می‌کنند. این گروه جهادی به تازگی به عنوان یک گروه نمونه کشوری معرفی شده است. تنها در چند ماه گذشته حدود ۲هزار دست لباس برای بچه‌های پنج تا هشت ساله با کمک مردم منطقه جمع‌آوری کردیم و به سیستان و بلوچستان فرستادیم.

در زمینه راهیان نور چه فعالیت‌هایی دارید؟

بخش عمده کار ما معرفی و شناساندن شهدا و ارزش‌های دفاع مقدس است. بر این اساس گاهی پیش می‌آمد که برای اعزام یک راوی به منطقه، باید با سپاه استان یا منطقه هماهنگ می‌کردیم که وقت‌گیر بود و گاهی هم به نتیجه نمی‌رسید، لذا فکر کردیم چرا نباید خودمان از پتانسیل‌های موجود در منطقه برای روایتگری استفاده کنیم. بنابراین در بین رزمنده‌های منطقه استعدادیابی کردیم و آنهایی را که شرایط لازم مثل انگیزه و سابقه و فن بنیان و... داشتند را انتخاب کردیم و برای‌شان کارگاه‌های آموزشی راه‌اندازی کردیم. الان حدود ۴۵ راوی داریم که کارت روایتگری خودشان را از تهران دریافت کرده‌اند. این عزیزان در ادارات و مدارس و اردوهای راهیان نور فعال هستند. ما حتی اعلام آمادگی کردیم که می‌توانیم راوی‌های‌مان را در اختیار دیگر کاروان‌های راهیان نور قرار دهیم. چنانچه هر سال ۱۵ راوی به یادمان‌های جنوب کشور اعزام می‌شوند. در این خصوص جوان‌ها را هم وارد گود کرده‌ایم و اقدام به آموزش راوی‌های جوان می‌کنیم. در سال ۹۷ فقط ۹۰۰ ساعت روایتگری در مدارس منطقه داشتیم که در نوع خودش کم‌نظیر است.

سخن پایانی؟

شاید تلاش‌های ما در سطح منطقه لنجان باشد اما دوست دارم این حرف را به دیگر عزیزان رزمنده یا فعالان فرهنگی در سراسر کشور بگویم که اگر همت و کار برای رضای خدا باشد، می‌توانیم با استمداد از شهدا بزرگ‌ترین کارها را انجام دهیم. در همین شهرستان لنجان تا همین اواخر تصویر مناسبی از شهدای شاخص منطقه وجود نداشت اما الان به همت بچه‌های مؤسسه، از ۲۷ شهید شاخص منطقه ۳۰هزار پوستر با بهترین کیفیت تهیه شده و در سراسر منطقه توزیع شده است. نظیر این کارها می‌تواند در تمام مناطق کشورمان انجام بگیرد. شاید این فعالیت‌ها همگی متولی رسمی داشته باشند ولی وقتی آن متولی کم‌کاری می‌کند یا به هر روی توان انجام کار ندارد، ما نباید دست روی دست بگذاریم و باید آستین همت بالا بزنیم تا قدمی ولو کوچک برای رفع دغدغه‌های فرهنگی حضرت آقا و کشورمان برداریم.

وادی کتاب

«کاش او را می‌شناختم»

کتابی که به خاطرات شهید حسین قجه‌ای می‌پردازد

رزمنده‌ای که روی تمام مجاهدان عالم را سفید کرد

■ آرمان شریف

در پشت جلد کتاب «کاش او را می‌شناختم» جمله‌ای از حاج‌احمد متوسلیان نقش بسته که به خوبی مجاهدت‌ها و دلاوری‌های شهید حسین قجه‌ای را نشان می‌دهد: «حاج‌احمد متوسلیان از رزم و مقاومت جانانه حسین تعریف می‌کرد و می‌گفت: حسین قجه‌ای حق جهاد را ادا کرد، حسین‌وار جنگید، حسین‌وار مقاومت کرد... حسین قجه‌ای روی تمام مجاهدان عالم را سفید کرد.» کتاب «کاش او را می‌شناختم» به قلم احمد مدحی، خاطراتی از زندگی و رزم شهید قجه‌ای را دربر می‌گیرد و اطلاعات کامل و خوبی از شهید را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. این کتاب توسط انتشارات دارخوین به همت مؤسسه فرهنگی هنری راویان فتح شهرستان لنجان به چاپ رسیده است.

شهید حسین قجه‌ای اهل زرین‌شهر استان اصفهان بود و همچون دیگر مجاهدان این شهر، خیلی زود به مخالفت با حکومت پهلوی پرداخت. از دوران انقلاب به بعد زندگی این جوان برومند با جهاد و مقاومت گره می‌خورد. پس از انقلاب و با شروع غائله کردستان، جزو اولین نفراتی بود که به این شهر رفت و به مقابله با ضدانقلاب پرداخت. شهید قجه‌ای در این زمان تازه جوانی بیست و چند ساله بود و با روحیه و منش پهلوانی‌اش تأثیر زیادی بر جبهه‌ها گذاشت.

کتاب «کاش او را می‌شناختم» با ذکر نقل‌قول‌هایی از همرزمان و دوستان شهید، به صورت مجزا با آوردن این خاطرات گوشه‌هایی از زندگی شهید را نشان داده است. ورزشکار بودن و داشتن روحیه پهلوانی یکی از ویژگی‌های خاص شهید قجه‌ای بود. عکس‌های شهید با گوش‌های شکسته علاقه ایشان را به ورزش پهلوانی کشتی نشان می‌دهد. بدون وضو پا به تشک کشتی نمی‌گذاشت و در هر میدان ورزشی پا می‌گذاشت، سرآمد دیگران بود. رشته اصلی‌اش کشتی بود و به آن عشق می‌ورزید و به صورت حرفه‌ای دنبالش می‌کرد. تا مسابقات کشوری هم پیش رفت و در این رشته به فردی صاحب‌نام تبدیل شد. باوجوداینکه امید زیادی به قهرمانی‌اش در مسابقات کشوری می‌رفت با وقوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مسیر زندگی این پهلوان برای همیشه تغییر کرد. یکی از رقیبان شهید قجه‌ای به نام محمد سلیمیان در بخشی از خاطراتش به خاطره باختش از شهید می‌پردازد: «...خیلی ماهرانه کشتی را واگذار کرد و من برنده شدم و دستم بالا رفت. بعداً مصرانه علت را پرسیدم، گفت: این مسابقات برای تو حیثیتی و مهم بود. می‌خواستم تو خسته نشوی تا در کشتی‌های بعدی بهتر بتونی مبارزه کنی و روی سکو بری. برای من فرصت‌ها و میدان‌های دیگری وجود خواهد داشت تا کشتی بگیرم و مقامی کسب کنم.»

بعد از انقلاب که سپاه پاسداران تشکیل شد، رزمندگان جوان رزمنده‌ای را می‌دیدند که به نیروها از جلو نظام می‌دهد و بسیاری آنجا با حسین قجه‌ای آشنا شدند. به قول نیروهایی که او را می‌شناختند تمام حرکاتش درس اخلاق و راه و روش درست زندگی کردن بود. وجود حسین قوت قلبی برای نیروها بود تا هر کار نشدنی را شدنی کنند. روحیه بالا و قدرت فرماندهی شهید قجه‌ای در کردستان، بسیار راهگشا بود و به سایر نیروها کمک می‌کرد.

> یکی از رقیبان شهید قجه‌ای به نام محمد سلیمیان در بخشی از خاطراتش به خاطره باختش از شهید می‌پردازد: «...خیلی ماهرانه کشتی را واگذار کرد و من برنده شدم و دستم بالا رفت. بعداً مصرانه علت را پرسیدم، گفت: این مسابقات برای تو حیثیتی و مهم بود. می‌خواستم تو خسته نشوی تا در کشتی‌های بعدی بهتر بتونی مبارزه کنی و روی سکو بری...»

انس و الفتی وصف‌ناشدنی بین شهید قجه‌ای و شهید رضا چراغی برقرار بود. اغلب مأموریت‌ها و کارهای شناسایی عملیات لشکر محمد رسول‌الله(ص) را با هم انجام می‌دادند. شهید چراغی بارها می‌گفت: از کوچک‌ترین حرکات و رفتار حسین باید درس گرفت. من آمده‌ام دزلی تا پا جای پای حسین قجه‌ای بگذارم. حسین جنگاوری چالاک و چریکی به تمام‌معنا بود که تمام نیروهایش بر توانایی‌هایش صحه می‌گذاشتند. مظهر ایثار و ازخودگذشتگی برای دیگران بود. نیروهای تحت امرش را بیشتر از خودش دوست داشت و همیشه برای حفظ آنها تن به خطر می‌زد.

ماجرای حماسه گردان سلمان و فرمانده‌اش شهید قجه‌ای از آن اتفاقات فراموش‌نشدنی دفاع مقدس است. اگر مقاومت سه روزه قجه‌ای و گردان سلمان در جاده اهواز- خرمشهر نبود معلوم نبود چند سال دیگر خرمشهر آزاد شود. شهید قجه‌ای در جریان همین مقاومت سه روزه در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ به شهادت رسید و نام و یادش برای همیشه در تاریخ ایران جاودانه شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۸۶۹

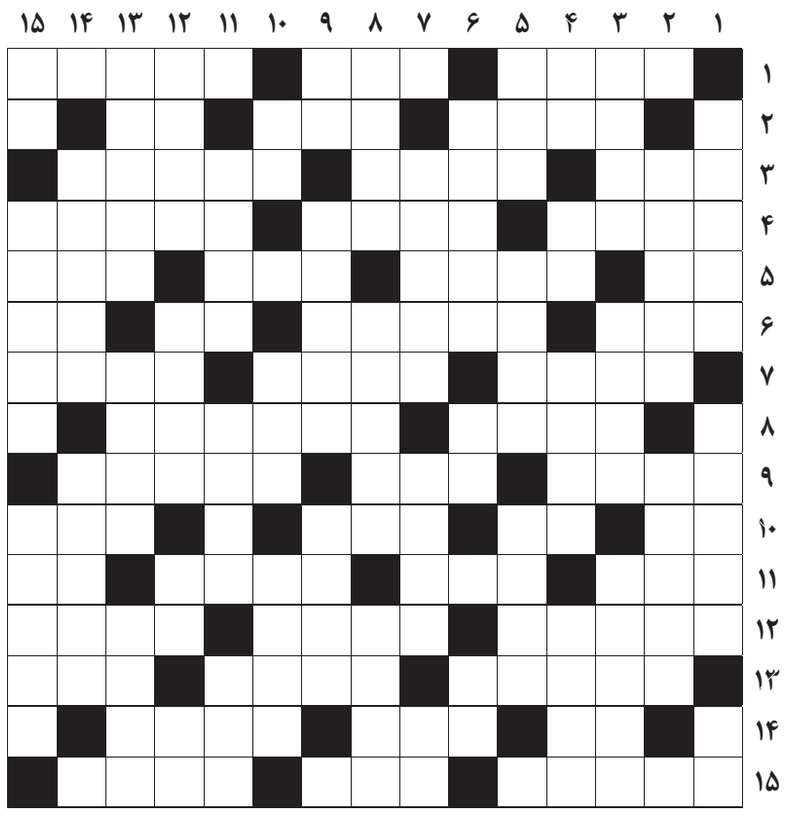

از راست به چپ

■ ۱- کشف رازی- برهم زدن معامله- ادامه یافتن ■ ۲- موجود ریز تک‌سلولی- گل خوشبو- پیچیدن ■ ۳- قورباغه- سوار- همسایه سورینام و برزیل ■ ۴- نوعی طلاق- تجملی- خواربار ■ ۵- مغرور- صدراعظم آلمان- دانه تسبیح- واحد اندازه‌گیری ■ ۶- هست آذری- تنبل- راندن مزاحم- حرف تنفر ■ ۷- مسافر- بیماری وبا- مرد بی زن ■ ۸- رهرو- شیطان ■ ۹- درخت جهنمی- کتف، شانه- وسیله نظافت دندان ■ ۱۰- تصدیق انگلیسی- رود- از بند رسته- طلای سیاه ■ ۱۱- شیر اول زائو- خانه تابستانی- سنگ بزرگ- مزه دهان جمع کن ■ ۱۲- پیاپی رسیدن- فراوان- بحر ■ ۱۳- فیلم مهیج و اکشن- درخت جنگلی- کشور دوتکه ■ ۱۴- پول ژاپن- شکاف سر قلم- پله سفید برزیل ■ ۱۵- سوره آداب و اخلاق- زیرانداز قشقایی‌ها- صمغ معطر

از بالا به پایین

■ ۱- صدای کبوتر- گریز از دشمن به سبب شکست- خسیس ■ ۲- اجبار کردن- بی رحمی ■ ۳- دارای رنگ سرخ- موش خرما- برقراری ارتباط تلفنی از راه دور ■ ۴- اندک- رطوبت- حاشیه سفید کتاب- از اسامی بانوان ■ ۵- واحد پول ترکیه- حشره گزنده- اولین پادشاه سلجوقی ■ ۶- تراس و مهتابی- نوعی زغال سنگ- تاقچه بالا ■ ۷- توفان دریا- جهاز عروس- تخم مرغ فرنگی ■ ۸- مفصل ساچمه‌ای در فرمان خودرو- نسل- نورانی ■ ۹- کتف- به دور خورشید می‌گردد- شریف و نجیب ■ ۱۰- حیوان باوفا- بهشت شداد- بوتیک‌دار ■ ۱۱- آشنا و ماهر- سمت چپ- خوش‌پوش ■ ۱۲- شجاع- نویسنده طاعون- ضربه سر در فوتبال- بخیه درشت ■ ۱۳- هر گونه اختلال در تکلم- نویسنده فرانسوی زندگانی مسیح- کسادی بازار ■ ۱۴- نامراد- از وسایل سفره غذا ■ ۱۵- به اندازه- کاروان- سهل‌انگاری

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۳	۸	
	۱	۲						
			۴		۵		۶	
		۴		۲				۶
۲							۹	۸
۳	۷			۶				
		۱	۸		۲			
						۴	۵	
		۶	۳		۱	۸		

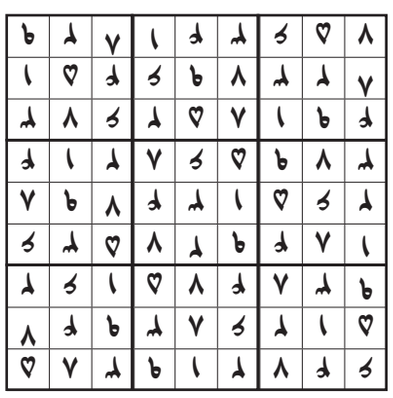

جدول کلمات متقاطع
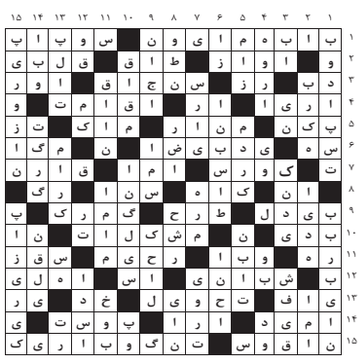
پاسخ جدول شماره ۵۸۶۸